گفت‌وگو

شهرزاد رحمتی‌پور

گفت‌وگو با معلمی که در دورافتاده‌ترین روستاها با تلاش و جهاد، بذر امید می‌کارد

مشق عشق در دل محرومیت

در پهنه‌وسیع روستاهای ایران، فراتر از هیاهوی شهرها و دور از دوربین‌های پرزرق‌وبرق، انسان‌هایی با دستان خالی و قلبی سرشار از ایمان، مشعل‌دار خدمت به مردم هستند. این «بی‌ادعایان خدمت»، نه برای نام آمده‌اند و نه برای نان، تنها انگیزه‌شان، لبخند کودکی است که در دورافتاده‌ترین نقطه این خاک، با الفبای امید آشنا می‌شود. حکایت معلمی در مناطق محروم، روایت تکراری ایثار است. قصه‌ای که در آن، معلم تنها آموزگار کلمات نیست، بلکه معمار روح و بنای مدرسه است. در این میان، مهدی رضایی، مدیر و آموزگار مدرسه شهید رضایی در روستای ایده‌لوی خلیفه از توابع شهرستان هشترود در آذربایجان شرقی، تجسمی از این حقیقت است. او با بیش از ۱۵ سال سابقه در مدرسه‌ای که زمانی بیشتر شبیه یک ساختمان متروکه بود، نه تنها علم، بلکه زندگی را معنا کرد. در این گفت‌وگو، گوشه‌ای از تلاش‌های جهادی این معلم به تصویر کشیده می‌شود.

آقای رضایی، در ابتدا بفرمایید چه چیزی باعث شد که مسیر معلمی را انتخاب کنید و ورودتان به دنیای آموزش و پرورش از چه زمانی و با چه رؤیاهایی آغاز شد؟

از کودکی همیشه در ذهن خودم تصویرسازی می‌کردم که چطور می‌توانم پای تخته بایستم و به بچه‌ها درس بدهم. وقتی به این موضوع فکر می‌کردم، آرامشی عمیق تمام وجودم را فرا می‌گرفت. با همین آرزوها مسیر تحصیلی‌ام را طی کردم و سرانجام از سال ۱۳۹۰ به‌طور رسمی وارد بدنه آموزش و پرورش شدم. البته از همان روزهای نخست، واقعیت کار با آنچه در رویا داشتم تفاوت داشت؛ متوجه مشکلات عمیق و کمبودهای گسترده سیستم آموزشی، به‌ویژه در مناطق محروم شدم. آن زمان بود که فهمیدم رفع این حجم از نیازها از عهده و بودجه محدود اداره خارج است. بنابراین تصمیم گرفتم نگاهم را تغییر دهم و به سمت جلب مشارکت‌های مردمی، خیرین و ظرفیت‌های اولیای دانش‌آموزان حرکت کنم تا بتوانم بر این مشکلات غلبه کنم.

شما همواره تأکید دارید که «معلمی شغل نیست، بلکه یک مسیر جهادی است.» چه تفکری پشت این نگاه وجود دارد؟

معتقدم برای تدریس نمی‌توان ساعت تعیین کرد. معلمی اساساً شغلی ۲۴ ساعته است. معلم نمی‌تواند در برابر نواقص و کمبودهای مدرسه و دانش‌آموزان بی‌تفاوت باشد. مانند بسیاری از مشاغل نیست که پس از اتمام وقت اداری، مسئولیت تمام شود. معلم جهادگر باید خودش آستین بالا بزند. اگر کلاسی نیاز به رنگ دارد، اگر مدرسه‌ای نیاز به تعمیر دارد یا دانش‌آموزی در معیشت مشکل دارد، معلم مسئول نمی‌تواند تنها نظاره‌گر باشد. او باید به هر طریق ممکن به مشکلات رسیدگی کند. من با این باور قلبی پیش آمدم که کار برای خدا خستگی ندارد و اگر جایی کاری از دستم برمی‌آید، وظیفه انسانی و اخلاقی من است که انجامش دهم.

> متوجه مشکلات عمیق و کمبودهای گسترده سیستم آموزشی، به‌ویژه در مناطق محروم شدم و فهمیدم رفع این حجم از نیازها از عهده و بودجه محدود اداره خارج است. بنابراین تصمیم گرفتم نگاهم را تغییر دهم و به سمت جلب مشارکت‌های مردمی، خیرین و ظرفیت‌های اولیای دانش‌آموزان حرکت کنم

وقتی مدیریت مدرسه شهید رضایی در روستای ایده‌لوی خلیفه را بر عهده گرفتید، با چه وضعیتی روبه‌رو بودید و اولین واکنش شما چه بود؟

آن سال، سال آزمون بزرگی برای من بود. وقتی مدرسه را تحویل گرفتم، وضعیت بسیار ناگوار بود. کمبودها آن‌قدر زیاد بود که مشکلات ریز و درشت سیستم آموزشی کار را به‌شدت سخت کرده بود. همان لحظه اول فهمیدم که اگر بخواهم منتظر بمانم تا تمام کارها از سوی اداره انجام شود، شاید سال‌ها طول بکشد و در این مدت، بچه‌ها قربانی این انتظار می‌شوند. بنابراین از همان روز اول، به سراغ والدین، اهالی روستا، خیرین و کسانی که دغدغه‌مند بودند رفتم. راه هموار کردن این مسیر دشوار، تنها «اقدامات جهادی» بود. بنابراین در کنار وظایف تدریس، عملاً نقش یک مدیر جهادی را بر عهده گرفتم تا مدرسه را از آن وضعیت خارج کنم.

برای ساماندهی این مدرسه و رفع کمبودها، چه اقداماتی انجام دادید؟ آیا توانستید فضای آموزشی را تغییر دهید؟

با توجه به دورافتادگی روستای ایده‌لوی خلیفه و نبود راه ارتباطی مناسب، سال‌ها مدرسه روستا توسط سرباز معلم‌ها اداره می‌شد و ثبات مدیریتی وجود نداشت. از وقتی شروع کردم، سعی کردم چندین کار را همزمان پیش ببرم. با جلب کمک‌های مردمی و حتی بخشی از هزینه شخصی، کارهای بزرگی انجام دادیم. بازسازی کامل محوطه مدرسه، تعمیر و بهسازی سرویس‌های بهداشتی، رنگ‌آمیزی تمام بخش‌های مدرسه، موکت‌پوش کردن کلاس‌ها برای ایجاد فضایی امن و راحت، خرید دستگاه پرینتر و کپی برای تولید محتوای آموزشی و حتی نصب پرده، از جمله اقداماتی بود که انجام شد. هدفم این بود که دانش‌آموز روستایی احساس نکند که امکاناتش از یک دانش‌آموز شهری کمتر است.

دوران کرونا برای بسیاری از مدارس، دوران سکون بود. شما به عنوان یک معلم در منطقه‌ای دورافتاده، چگونه با این بحران مقابله کردید؟

دوران کرونا واقعاً یکی از چالش‌برانگیزترین دوران کاری من بود. در شرایطی که سیستم آموزش به سمت فضای مجازی رفته بود، ما با دانش‌آموزانی روبه‌رو بودیم که نه اینترنت داشتند و نه موبایل یا تبلت. امکان رهاکردن دانش‌آموزان وجود نداشت. بنابراین مجبور شدیم با چاپ درسنامه‌ها و پخش دستی آنها بین خانواده‌ها، آموزش را زنده نگه داریم. در مقاطعی که شرایط حاد نبود، کلاس‌های سیار رفع اشکال را در کوچه‌ها و دم در خانه‌ها برگزار می‌کردیم. هر روز مدرسه را ضدعفونی می‌کردیم و با وجود نگرانی‌های شدیدی که از ویروس داشتیم، سعی می‌کردیم با دلگرمی دادن به خانواده‌ها و دانش‌آموزان، چراغ مدرسه را روشن نگه داریم تا زنجیره آموزش قطع نشود.

در میان این همه مشغله، آیا خاطره‌ای وجود دارد که همیشه در ذهنتان باقی مانده باشد و به شما انگیزه دهد؟

زیباترین و ماندگارترین خاطرات من، مربوط به دانش‌آموزانی است که با کمک خدا و تلاش مضاعف به شکوفایی رسیدند. یکی از دانش‌آموزانم بسیار گوشه‌گیر و ضعیف بود و در درس‌ها افت داشت. با تلاش مداوم و اختصاص وقت بیشتر، او را به دانش‌آموزی شاد، فعال و رو به پیشرفت تبدیل کردیم. تماشای شوق زندگی و برق موفقیت در چشمان آن کودک، زیباترین لحظه عمرم بود؛ لحظه‌ای که به من ثابت کرد برای این حس خوب، حاضر هستم هر سختی‌ای را تحمل کنم.

طبیعتاً کار در چنین سطحی با چالش‌های روانی و فشارهایی هم همراه است. چگونه با ناملایمات کنار می‌آیید؟

بله، کار و شرایط همیشه گل‌وبلبل نیست. گاهی قضاوت‌ها، سنگ‌اندازی‌ها و درک نکردن شرایط، موجب رنجش می‌شود. بدتر از آن، لحظاتی است که با مشکلات حاد دانش‌آموزان مواجه می‌شوم و می‌بینم با وجود تمام تلاش‌ها، کاری از دستم برنمی‌آید؛ این زجرآورترین بخش کار است، اما من و همه همکارانم در جای‌جای ایران که در مناطق محروم خدمت می‌کنند، آموخته‌ایم که باید خم به ابرو نیاوریم و تحمل کنیم. ما به این مسئله ایمان داریم که کار برای خدا خستگی‌ناپذیر است و باید صبور بود.

آیا اقدامات شما توانسته به عنوان یک الگو در منطقه مورد استفاده قرار بگیرد و چه انتظاری از مسئولان دارید؟

خوشبختانه بله. سال ۱۳۹۸ که اقدام به موکت‌پوش کردن کلاس‌ها کردم، این کار به عنوان یک الگوی موفق دیده شد و تعدادی از کلاس‌های دیگر در منطقه ما نیز با الهام از این کار، موکت‌پوش و فرش‌پوش شدند که محیطی امن‌تر برای بچه‌ها ایجاد کرد. حرف من این است که هر ریالی که در امر آموزش و پرورش صرف می‌شود، هزینه نیست، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده روشن کشور عزیزمان است. امیدوارم مسئولان، نه با شعار، بلکه با حمایت‌های عملی و فراهم کردن بسترهای فعالیت، دست معلمان مناطق محروم را بگیرند تا با خیال راحت‌تری به امر خطیر تربیت بپردازند. ما معلمان جهادگر به دنبال خدمتیم و تنها انتظارمان، دیدن فردای روشن برای این دانش‌آموزان است.

گزارش تصویری

جهاد برای روشن کردن چراغ امید

گزارش

حوریه ملکی

دانشجویان جهادگر یزد در خط مقدم خدمت برای عدالت

در اقلیم کویری یزد، جایی که عرق جبین با ایمان قلبی پیوند می‌خورد، جوانان بسیج دانشجویی پرچمدار حرکتی شده‌اند که رنگ و بوی ایثار می‌دهد. این گروه‌های جهادی با حضوری فعال در میدان، عرصه‌های متنوعی چون سازندگی، فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و بهداشت و درمان را زیر چتر خدمت‌رسانی خود گرفته‌اند. آنها نه تنها در تأمین نیازهای معیشتی و بهداشتی خانواده‌های کم‌برخوردار پیشگامند، بلکه با نگاهی هنرمندانه به اشتغالزایی و حمایت از صنایع‌دستی، امید را در دل محرومان زنده می‌کنند. از آماده‌سازی و رنگ‌آمیزی مدارس در منطقه محمدآباد گرفته تا برپایی غرفه‌های عرضه صنایع‌دستی در قلب شهر، ردپای این جهادگران پرشور مشهود است. بسیج دانشجویی استان یزد با هدف‌گذاری دقیق در حوزه‌های اجتماعی و تبیینی، روایتگر فصلی نو از خدمت صادقانه است که در آن، هر دانشجو نقشی از مهربانی را بر بوم محرومیت ترسیم می‌کند. در این گزارش به گوشه‌ای از این تلاش‌های خستگی‌ناپذیر می‌پردازیم.

سال‌هاست که گروه‌های جهادی در کنار ارائه انواع خدمات در حوزه‌های مختلف، به عنوان نبض تپنده ایثار در بدنه جامعه شناخته می‌شوند. جهادگران در بزنگاه‌های تاریخی و بحران‌های اجتماعی، همواره نخستین کسانی هستند که با عبور از حاشیه امن زندگی شخصی، به میان مردم می‌روند. این روحیه داوطلبانه که ریشه در باورهای دینی و انقلابی دارد، آنان را به بازوی توانمند خدمت‌رسانی در دورافتاده‌ترین و محروم‌ترین نقاط تبدیل کرده است. حضور آنان در مناطق کم‌برخوردار، پیام‌آور این حقیقت است که برای تحقق عدالت اجتماعی، باید از پشت میزهای نظریه‌پردازی برخاست و به میان مردم رفت؛ جایی که خدمت نه در کلام، بلکه در عمل و دست‌های پینه‌بسته جهادگران نمود می‌یابد.

■ خدمت از مدارس تا سفره‌های معیشتی

میدان فعالیت دانشجویان جهادگر یزدی، عرصه‌ای گسترده از تخصص و تعهد است. مدیر عملیات جهادی بسیج دانشجویی یزد، در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به گستره فعالیت‌های دانشجویان می‌گوید: «بسیج دانشجویی استان یزد اقدام به برگزاری فعالیت‌های جهادی متنوع در استان کرد.»

محمدمهدی عبدی‌نسب در تشریح جزئیات این اقدامات ادامه می‌دهد: «گروه جهادی شهید صدرزاده طرح تغذیه ساده، برگزاری اردوی عمرانی در منطقه محمدآباد، آماده‌سازی مدارس این منطقه جهت رنگ‌آمیزی و نیز برپایی هشت غرفه عرضه و فروش صنایع‌دستی مربوط به خانواده‌های کم‌برخوردار را در بخش مرکزی یزد بر عهده داشت.»

او اضافه می‌کند: «یکی دیگر از اقدامات شاخص، جهاد بزرگ قریب به ۵۰ نفر از خواهران دانشجوست که در چهار روز رنگ‌آمیزی، بازپیرایی و ایجاد حیاط پویا در دو مدرسه در منطقه محمدآباد را بر عهده گرفتند و به این طریق دانش‌آموزان این مدرسه را در شادی سال جدید شریک کردند.»

این مسئول جهادی در ادامه به فعالیت‌های متمرکز در شهرستان‌ها اشاره کرده و می‌گوید: «در شهرستان ابرکوه تهیه و توزیع بسته‌های معیشتی و نیز برگزاری اردوی جهادی یک‌روزه در روستای رحمت‌آباد با برنامه‌های متنوعی نظیر اطعام و ویزیت رایگان به یاد استاد فرج‌نژاد انجام شد.»

وی همچنین با تأکید بر نقش دانشجویان علوم پزشکی عنوان می‌کند: «دانشجویان گروه جهادی شهید رهنمون دانشگاه علوم پزشکی برگزاری میزگرد هم‌اندیشی جهت بحث جوانی جمعیت با حضور مسئولان این دانشگاه و تشکل‌ها، پویش هدیه برای لبخند به منظور تهیه اسباب‌بازی برای کودکان سرطانی، تهیه ۲۶ بسته معیشتی و همچنین برپایی فروشگاه محصولات غذایی خانگی برای حمایت از خانواده‌های کم‌برخوردار را بر عهده داشتند.» مدیر عملیات جهادی بسیج دانشجویی یزد با اشاره به اهمیت درختکاری توضیح می‌دهد: «به همین بهانه جهادگران دانشگاه اردکان، گروه مهاجران نور دانشگاه پیام‌نور یزد و نیز جهادگران قرارگاه جهادی حاج عمار به سنت حسنه درختکاری در مناطق مختلف استان پرداختند.» وی ادامه می‌دهد: «گروه جهادی فاطمه‌الزهرا(س) دانشگاه یزد با توزیع ۱۵۰ پرس غذای گرم در پویش «سفره پدری»، جمع‌آوری کمک‌های مردمی و برگزاری مراسم و جشن‌های مختلف در محله صدرآباد و همچنین چند ماه قبل یعنی در ایام ماه رمضان نیز با جمع‌آوری زکات فطره یکی از گروه‌های پرکار جهادی بود.»

عبدی‌نسب با تأکید بر اینکه گروه‌های دیگری نیز در این مسیر گام‌های مؤثری برداشتند، می‌گوید: «تهیه هفت بسته معیشتی از سوی گروه شباب الزهرا (س)، برگزاری پویش شکوفه‌های بهاری از سوی گروه جهادی مشکات اردکان، پویش جمع‌آوری تهیه بسته معیشتی در بافق، برگزاری دورهمی دخترانه «به توان رفاقت» از سوی جمعیت دانشجویی امام حسن (ع) و جمع‌آوری کمک‌هزینه برای تهیه بسته معیشتی از سوی گروه جهادی پردیس مهریز برخی از عناوین مهم‌ترین فعالیت‌های دانشجویان جهادگر یزدی است.»

> گروه جهادی سبیل‌الله دانشگاه آزاد با دو طرح نذر تنور نان و «لبخندهای رنگی با توپ‌های نذری» از خانواده‌های نیازمند حمایت کردند

■ تعهد به آرمان‌ها از تبیین تا امداد

در کنار فعالیت‌های عمرانی و معیشتی، بخش مهمی از تلاش‌های این جهادگران معطوف به فرهنگسازی و تقویت روحیه مقاومت است. عبدی‌نسب در این رابطه می‌گوید: «گروه جهادی خادمین حضرت زهرا (س) طرح ابتکاری اطعام ساده در مساجد به همراه معرفی کالاهای صهیونیستی و نیز نذر قربانی برای پیروزی جبهه مقاومت را در دستور کار داشت.»

وی ادامه داد: «گروه جهادی سبیل‌الله دانشگاه آزاد نیز با دو طرح نذر تنور نان و «لبخندهای رنگی، با توپ‌های نذری» از خانواده‌های نیازمند حمایت کردند. همچنین در ماه رمضان گذشته برگزاری جشن روزه‌اولی‌ها و نیز نذر نان دو اقدام شاخص گروه جهادی شهید خرازی دانشگاه فرهنگیان بود.»

مدیر عملیات جهادی بسیج دانشجویی یزد با اشاره به لزوم تبیین ریشه‌های حرکت‌های جهادی برای دانشجویان تأکید می‌کند: «از جمله برنامه‌های تبیینی معاونت جهادی بسیج دانشجویی می‌توان به برگزاری نشست آنلاین با جهادگران یزدی حاضر در لبنان و بررسی اقدامات جهادی که می‌توان برای کمک به مردم جنگ‌زده لبنان و غزه انجام داد و نیز برگزاری شب خاطره جهادی با حضور ادوار دانشجویی اشاره کرد.» وی ضمن قدردانی از زحمات دانشجویان می‌گوید: «در پایان بر خود لازم می‌دانم از یکایک دانشجویانی که از ابتدای امسال یعنی در ایام تعطیلات نوروزی خود ترجیح دادند با خدمت به محرومان گامی در جهت تحقق عدالت اجتماعی بردارند و بعد از آن برای بازسازی خرابی‌های جنگ رمضان به سراغ هموطنان خود رفتند، نهایت قدردانی را داشته باشم.» گذری به اقدامات صورت گرفته از طرف جهادگران نشان می‌دهد در پس هر اقدام کوچک و بزرگ، عزمی استوار نهفته است که یزد را به کانون جوشش خدمت خالصانه و همدلی بدل کرده است. جهادگرانی که بی‌هیچ چشمداشتی، «خادمی» را در عالی‌ترین معنای آن معنا کرده‌اند.